جلب مهاجرین اروپائی (در سال 1242)

27-دستگاه مسگری و برنج و آهنگری و ظروف و آئینه و شیشه‏سازی

28-بازار آذوقه 29-میدان کشتی‏گیری و سایر بازیهای غریبه

30-کلیسای پراتصتنت‏311-ایوان برای گذراندن امورات اهل بازار

32،33-دستگاه ابریشم و ریسمان‏بافی 34-کلیسای دیصنتر2

35-کلیسای کثالک‏363-مسجد برای اهل اسلام

37-معبد برای مذهب یونانی 38-خانهای اهل اسلام با یک حمام

39-خانهای یهودیها با یک معبد 40-سلاخ‏خانه

41-دستگاه پیه‏گدازی 42-دستگاه صابون‏پزی

43،44-خانهای دباغ و دستگاه دباغی 45-دستگاه میشارکشی‏4

46-دستگاه روغن‏کشی 47-آسیابها

48-بارگاه برای رسیدن کشتی 49-دستگاه کشتی‏سازی

50-بارگاه کوچک برای...515-گوشت خشکانیدن بجهة آذوقه‏کشی

52-دستگاه ریسمان و طناب‏بافی 53،54 دستگاه ماهوت و ابریشم‏بافی

55-دستگاه کتان‏بافی 56-زمین خشکانیدن مصالح

57-خانهای مباشرین امر تجارت 58-منزل داروغه تجارت

59-منزل مباشر امر زراعت 60-منزل مباشر امورات مهندس

61-منزل مباشر صنایع

62-باغ بزرک برای جمهور که نشاط باسم نایب السلطنه در آنجا باشد.

63-سنگر تاج در پیش‏روی رودخانه

\*\*\*

ترجمهء فقراتی که اهل فرنک برای آگاهی دولت خودشان‏ از وضع ایران در کاغذ اخبار که زیادتر از صد هزار نسخه‏ باشد باسمه نموده‏اند:

(1) Protestant

(2) Dissenter

(3) Gatholie

(4)معنی این کلمه درست معلوم نشد

(5)در اصل افتاده است

عموم خلق را از کیفیت وضع واقع شدن مملکت روس و انگلستان و هند نسبت‏ بایران خبردار نمائیم بخصوصه که این اوقات که ولایت شمالی آذربایجان بدست‏ و تصرف دولت روسیه افتاده است،امیدواریم که دولت ما من‏بعد زیادتر بفکر و خیال این‏گونه چیزها بیفتد،از برای درست حالی کردن این مطلب اظهار و تقریر چند فقره ضرورست:

وقتی که مرکویزدوزلی فرمانفرمای هندوستان بود امورات ایران بسیاربسیار منظور نظر او بود،در سنه هزار و هشتصد ایلچی اولی که از ممالک اروپا بپایتخت ایران مامور گردید جنرال ملکم‏1بود که او بآن دولت بنای دوستی‏ و مصالحه گذاشت و شرط کرد که اگر افغان بولایات متعلق بکامپانی‏2دست‏ درازی نماید و بنای جنک گذارد و دولت ایران را لازمست که بیست هزار قشون داده بکامپانی کومک نماید.ایلچی که بعد از آن از دولت ماموربیامبای‏3 شد که شروط مصالحه را با کامپانی در آنجا درست کرده مضبوط نماید محمد نبی‏ خان بود که او را با هفت نفر از آدمهای خود از سوء اتفاقات در آنجا بقتل‏ رسانیدند.در سنه هزار و هشتصد و هفت بناپارت‏4جنرال قاردان‏5را با چند نفر افسر قابل و کامل بایران و یک نفر آدم دیگر بکابل فرستاد،از جهة آمدن‏ این ایلچی‏ها بایران آنقدر بخل و حسد بفرمان فرمای هندوستان هجوم‏آور شد که جنرال الفین اصتون‏6را ایلچی نموده بکابل فرستاد که ایلچی فرانسه را از آنجا دوانیده تجدید مصالحه بایشان نماید.مشار الیه خدمت خود را بانجام رسانیده‏ مقضی المرام مراجعت نمود و همان اوقات جنرال ملکم باز دو مرتبه برای همان‏ مطلب ایلچی شده وارد بندر بوشهر گردید و در آنجا یکی از بزرگان عرب که‏ از قبل پادشاه ایران حاکم بود بمشار الیه منتهای ببحرمتی و بدرفتاری نمود مشار الیه‏ متحمل رفتار ناهنجار او نگشته بکلکته مراجعت نمود.در سنه هزار و هشتصد و نه‏ دولت انگلیس اراده نمود که ده هزار سالدات از راه دریا ببنادر ایران فرستاده‏ بنای جنک و جدال و منازعه بدولت ایران بگذارد و هر دو دولت بفکر تدارک‏ خود افتاده حتی در کنار بنادر ابو شهر و غیره بنای سنگر و قلعچه از برای محافظت‏ کردن مکانها گذاشتند،نتیجه بر این بنای منازعه برای دولت انگریز این شد که دولت‏ ایران بنا گذاشت که سفیری بهندوستان فرستاده ایلچی بناپارت و آدمهای او را از (1)- General Sir John Maleolm

(2)ماخوذ از کلمهء انکلیسی Company که مراد کمپانی هندوستانست

(3)مقصود بمبئی است که از املای انگلیسی Bombay گرفته شده

(4) Bonaparte اسم خانوادگی ناپلیون

(5) Gardane

(6) Elpainstone

طهران و خاک ایران اخراج نماید و قرارداد کند که هرقدر قشون که از برای‏ اخراج نمودن سالدات روس که در آن اوقات بسمت شمالی ایران داخل شده بودند کفایت نماید کامپانی بدهد.درین وقت دقیق سرهردفر جونس‏1از لندن وارد پایتخت ایران گردید بدون اینکه اختیار کامل باو داده باشند و یا اینکه دستور- العملی از کامپانی باو رسیده باشد:بعد از اظهار مطالب دولت انگلستان بدولت‏ ایران آمدن قشون کامپانی بی‏مصرف و بی‏حاصل شده و خودش هم در دار الخلافه‏ توقف نمود،مصالحه در میانه این دو دولت تمام کرد که هر ساله کامپانی دویست‏ هزار تومان ایرانی با هرقدر افسر و صاحبمنصب که برای تعلیم مشق سربازی و متعلقات جنک ضرور باشد بدون توقع اخراجات بدولت ایران بدهد.میرزا ابو الحسن خان‏ با مستر موریه‏2هرکدام از طرف خود برای اجرای این صلح‏نامه مامور شدند. در سنة هزار و هشتصد و ده جنرال ملکم باز بخواهش پادشاه ایران از برای تلافی‏ بی‏حرمتی که در سنه هزار و هشتصد و هشت در بندر ابو شهر نسبت بمشار الیه شده بود مامور بپای تخت ایران گردید؛در میانه سر هردفرد جونس و جنرال ملکم اختلاف‏ بهمرسیده و باهم‏دیگر سازش آنها نشده جنرال ملکم مامور شد که بهند مراجعت‏ نماید و سرهردفر جونس بانگلستان در جوزای همان سال سرقوراوزلی‏3از لندن‏ باختیار تمام بسفارت ایران مامور شد،چند عراده توپ و چند نفر صاحب‏منصب‏ از جمله مجردارسی‏4و مجراصتون‏5همراه او بود.آخری چندوقت بعد از رسیدن بایران در ارده‏بیل‏6تلف شد.در آن اوقات دولت فرانسه با دولت‏ روس دوست بودند و دولت ایران با دولت آخری جنک و جدل داشتند،دولت‏ فرانسه با مصالحه جنرال قاردان شرط کرده بود که بدولت ایران کومک نموده‏ قشون روس را از خاک ایران برون نمایند.این شرط و این مصالحه معمول‏ نگشت،بعلت مصالحه که در همان اوقات مابین دولت فرانسه و روس اتفاق افتاد در سنه 1811 که سرقوراوزلی بایران وارد گردید افواج سربار عباس میرزا ولیعهد ایران در مشق و تعلیم بسیار بد و معشوش بودند.آنها شش باطلیان‏7بود که بعضی بزبان فارسی و بعضی بزبان فرانسه و بعضی بزبان اورسی‏8مشق یاد می‏گرفتند و در همه‏جا سیزده عراده توپ میدان داشتند و قورخانهء آنها از همه‏ جهة بی‏تدارک بود.

(1) Sis Harford Jones

(2) Morier مولف معروف کتاب حاج‏بابا

(3) Sir Gore Ouseley

(4) Major oáArcx

(5) Major Eston

(6)بجای«اردبیل»

(7)ماخوذ از کلمه انگلیسی Bataillon که بعد انرا«باطالیان»هم نوشته‏اند و درین زمان اصطلاح‏ «گردان»بجای ان متداولست

(8)مقصود«روسی»است که پیش از این در زبان فارسی«ارس»و؟؟؟»هم معمول بود